

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی ربیافت

سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۴۰۱
صفحه ۴۷ تا ۶۶

سیاست و حکومت سعادت‌گرا در اندیشه فارابی و آیت‌الله خامنه‌ای

منصور کامگاری / دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شهرضا، شهرضا، ایران mansoorwizard@yahoo.com

علیرضا گلشانی / دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا،
شهرضا ایران agolshani41@yahoo.com

محمد آگاه / استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز،
ایران Agah@iaushiraz.ac.ir

چکیده

سخن گفتن از جامعه سعادت‌گرا در نزد اندیشمندان سیاسی یکی از راه‌های پی بردن به انواع نظام سیاسی مطلوب در جوامع مختلف است. این موضوع در نزد اندیشمندان اسلامی که مسأله سعادت هم در قرآن و هم در سنت مطرح شده است، از اهمیت خاصی برخوردار است. پژوهش حاضر درصدد است تا به سیاست و حکومت سعادت‌گرا در اندیشه فارابی و آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد. فرضیه پژوهش حاضر این است که سیاست و حکومت سعادت‌گرا در اندیشه فارابی مبتنی بر وجود صفات و ملکات اخلاقی در نزد رهبران سیاسی و آحاد جامعه و در نزد آیت‌الله خامنه‌ای بر نقش حکومت در تأمین نیازهای مادی و معنوی مردم استوار است. بر مبنای یافته‌های پژوهش، رویکرد فارابی به سیاست و حکومت سعادت‌گرا تلاشی برای تأسیس نظام سیاسی مطلوب و آرمانی است که الگوی حکومت رسول الله (ص) را همراه با خرد یونانی در سر دارد و پشتوانه‌ای فکری برای اندیشه ولایت فقیه محسوب می‌شود. اما الگوی مدنظر آیت‌الله خامنه‌ای، در مرحله تأسیس نظام سیاسی و اقدامی برای ساختن تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر است. حکومتی می‌تواند سعادت‌گرا باشد که نیازهای مادی و معنوی مردم را تأمین و از الگوی سکولاریسم غربی نیز مجزا باشد. سعادت پسینی و قصوی در اندیشه فارابی و حیات طیبه در زندگی دنیوی و اخروی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای محور سیاست سعادت‌گرا هستند. در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به متون و آثار فارابی و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده است.

کلیدواژه: سیاست و حکومت، حکومت سعادت‌گرا، فارابی، آیت‌الله خامنه‌ای.

تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

۱. مقدمه

ارائه الگویی برای اداره جامعه سیاسی، دستیابی به اهداف متعالی و همچنین محقق شدن آرمان‌های مکتب اسلام از همان آغاز با تأسیس حکومت گره خورده بود. بدین معنا که سعادت و سعادت‌مند شدن هر چند در حوزه های فردی و انجام عبادات قابل تصور و حصول است، اما سعادت جمعی افراد جامعه و رسیدن به اهداف سیاسی و اجتماعی با تشکیل حکومت پیوند خورده است. بر همین مبنا، متفکران و اندیشمندان اسلامی برای آنکه بتوانند مختصات جامعه سعادت گرا را مطرح کنند، قبل از هر چیز آن را به تأسیس نظام سیاسی و تشکیل حکومت ارتباط می دهند. دلیل این موضوع روشن است و آن هم سیاسی بودن احکام و قواعد اسلامی است. در اندیشه سیاسی متفکران پیشین اسلامی از جمله فارابی، تشکیل حکومت و اداره امور سیاسی نیازمند بهره‌گیری از قواعد و احکام دینی و شرایط خاصی است که به لحاظ تاریخی در زمانه وی وجود داشته است. سیاست و حکومت سعادت گرا در واقع پاسخی به چالش‌های اخلاقی، عقلی و معنوی مرتبط با زندگی اجتماعی هستند که با نگاه به سیاست اسلامی طراحی شده است.

در سوی مقابل، اندیشمندان معاصر علاوه بر بر چالش همیشگی میان عقل و دین و همچنین ضرورت یا عدم ضرورت تأسیس نظام سیاسی، با مسأله جدایی دین از سیاست به عنوان الگوی مسلط جهانی نیز روبرو هستند. الگویی که در نظام‌های مسط غربی وجود دارد و سعادت را به مفهومی مادی و در حد تأمین نیازهای روزمره انسانی تقلیل داده است. آیت‌الله خامنه‌ای در چنین شرایطی، مؤلفه‌های سیاست‌ورزی و حکمرانی بر مبنای سعادت‌گرایی را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنان که وی نیز اندیشه فکری خود را در راستای اندیشه سیاسی فارابی نیز دنبال می‌کند، اما پاسخ‌هایی که برای ضرورت تشکیل حکومت و بنای سیاست می‌دهد، بیشتر واکنشی به سکولاریسم مسلط غربی و ارائه مدلی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان در عرصه سیاست و اجتماع است.

با توجه به تفاوت تاریخی و زمانی در نزد دو اندیشمند، پژوهش حاضر در صدد بررسی سیاست و حکومت سعادت گرا در اندیشه ابونصر فارابی و آیت‌الله خامنه‌ای است. بر این اساس، دغدغه پژوهش حاضر بیش از هر چیز حول ارتباط اخلاق و سیاست است. سیاست و حکومتی که سعادت را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌دهد، به دنبال ارائه طرحی اخلاقی نیز می‌باشد. بدین معنا که تنها به تأمین نیازهای مادی انسان نمی‌اندیشد، بلکه نیازهای معنوی، صفات و محسنات اخلاقی، راهکارهای محقق شدن تعاون، مسؤولیت‌پذیری، خودشکوفایی

و کسب فضائل اخلاقی را نیز به حوزه سیاست و حکومت ارتباط می‌دهد. بدین ترتیب در الگوی حکومت سعادت گرا، مسئولیت دشواری بر عهده رهبران اسلامی و به طور کلی حکومت اسلامی گذاشته شده است که البته نیازمند اختیارات گسترده‌ای نیز می‌باشد. استخراج نظام سیاسی و حکومت‌داری در اندیشه فارابی از دل فلسفه یونانی و احکام شرعی تحت عنوان «فیلسوف-نبی» و دفاع از اندیشه ولایت فقیه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان خصوصیات کلی نظام سعادت گرا و یا پشتوانه دستیابی به سعادت در نظر گرفته می‌شوند. در هر صورت هدف پژوهش حاضر، بررسی حکومت و سیاست سعادت گرا در اندیشه فارابی و آیت‌الله خامنه‌ای است.

ضرورت‌هایی که برای نگارش نوشتار حاضر دیده می‌شود، متعدد هستند. از جمله: جدایی دین از سیاست در دوران معاصر، فقر نظری و عملی در جهان اسلام در حوزه اداره سیاست و حکومت، تقلیل یافتن حکمرانی و سیاست به تأمین نیازهای مادی انسانی، مسلط شدن الگوی مادی گرایانه لیبرال دموکراسی، و دور شدن جوامع معاصر از معنویت و اخلاق و در یک کلام، خطر سیاست بدون اخلاق و معنویت است. از این منظر، پژوهش حاضر به دنبال غنای نظری در حوزه حکومت سعادت گرا و طرحی برای پوشش تهدیداتی است که در سیاست بدون اخلاق و معنویت حاکم است. شیوه بررسی موضوع، مقایسه‌ای نیست که نویسنده با طرح مفاهیم و مؤلفه‌های مشترک درصدد بررسی و مقایسه آراء دو متفکر باشد، بلکه بیش از هر چیز به دنبال ترسیم مجموعه‌ای از آراء هر دو متفکر اسلامی است تا در نهایت بتوان سیاست و حکومت سعادت گرا را از دل متون و بیانات بررسی شده، استنباط نمود.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در مقاله لک‌زایی و جاویدی با عنوان نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۷)، ویژگی‌های دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای بررسی شد که به دلیل برآمدن انقلاب اسلامی از دل اندیشه سیاسی اسلام، دین و نظام سیاسی به صورت توأمان و در قالب جمهوری اسلامی ایران ظهور و بروز یافته است. در مقاله عبدالمطلب عبدالله (۱۳۹۵)، با عنوان حکومت سعادت گرا در اندیشه سیاسی علامه طباطبایی (ره)، نیز چنین بیان شد که از نظر این علامه شیعی، حکومت مطلوب، حکومتی است که حرکتش در مسیر فطرت انسانی و نظام آفرینش باشد. بر همین اساس، نظام سیاسی هنگامی سعادت گرا خوانده می‌شود که بر مبنای دین و فطرت، جامعه را به سعادت برساند. در مقاله دیگری که توسط

لک‌زایی و لک‌زایی با عنوان انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۵) نگارش شد، بدین نتایج دست یافتند که رویکرد ایشان به انسان و جامعه می‌تواند به عنوان «یک مطلب معرفتی اسلامی» در نظر گرفته شود که برای همه مسائل کلان کشور و نسخه‌هایی برای آینده مفید و راهگشا باشد. نظریه علوم انسانی متعالی نیز بر همین مبنا می‌تواند سامان یابد. اما درباره اندیشه سیاسی فارابی کتب و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است که هر کدام به تشریح و توصیف دیدگاه‌های وی و یا بررسی جامعه مطلوب سیاسی در نزد فارابی معطوف شده‌اند. از جمله در آثاری که توسط محسن مهاجرنیا و کتاب علی اکبر علیخانی با عنوان اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، نگاشته شده است، آراء سیاسی فارابی به تفصیل مطرح شده است. اما نقطه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های مطرح شده این است که سیاست و حکومت سعادت‌گرا را به عنوان موضوعی کاربردی در نزد فیلسوف قدیم یعنی فارابی و اندیشمند جدید یعنی آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. تنها در یک پژوهش که توسط عبدالمطلب عبدالله، مقوله حکومت سعادت‌گرا در آراء علامه طباطبایی بررسی شد، پژوهش دیگری با این عنوان نگارش نشده است.

۲- مبانی نظری؛ مفهوم سعادت و سیاست سعادت‌گرا در اسلام

سعادت و اصطلاحات معادل آن نظیر فلاح، رستگاری و نقطه مقابل آن یعنی شقاوت از جمله اصطلاحات پر کاربرد در آیات و روایات هستند. از جمله در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران بیان شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» می‌فرماید که مؤمنین تقوا داشته باشید تا سعادت‌مند باشید و در جایی دیگر می‌فرماید اگر انسان خدا را در زندگی حاضر و ناظر ببیند به سعادت و خوشبختی می‌رسد. همچنین سعادت موضوعی دانسته می‌شود که دستیابی به آن، باعث سربلندی انسان در دنیا و آخرت است و در مقابل آن شقاوت است که برای انسان غیرقابل تحمل باشد. سعادت در این معنا، مطلوب نهایی بشر و شقاوت نیز چیزی است که انسان همیشه از آن دوری می‌جوید (مطهری، ۱۳۶۲: ۷۵). با این حال، سعادت هم مفهومی فطری و ریشه در ذات سعادت‌گرا یانه بشر و هم امری اکتسابی یعنی حاصل تلاش و کوشش بشری برای تشکیل اجتماع خوب است. بدین ترتیب باید گفت که حرکت انسان در رسیدن به سعادت، حرکت ادراکی و ارادی است. به لحاظ ارادی بودن حرکت، انسان مختار است که راه عبودیت را در پیش گیرد و سعادت‌مند شود (عبدالله، ۱۳۹۵: ۶۰).

اما مفهوم سعادت همانند سایر مفاهیم موجود در فلسفه سیاسی اسلامی، وجهی سیاسی دارد. بدین معنا که اندیشمندان و فیلسوفان اسلامی نوعی کوشش نظری برای بسط سیاست سعادت‌گرا یانه در حیطه زندگی اجتماعی سامان داده‌اند. همچنان که به دلیل پیوند دین و سیاست در اسلام، سیاست و حکومت سعادت‌گرا، آشکارا سیاستی اخلاقی و معنوی است. اما در عرصه سیاست، جامعه سعادت‌گرا، علاوه بر اینکه صفات و ملکات نیکویی برای رهبران سیاسی بیان می‌کند، به دنبال کسب رضایت شهروندان از نحوه اداره جامعه است که می‌توانند خیر عمومی را برای همگان پدید آورند. اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیره-ای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد (مهاجرنیا، ۱۳۸۰). هر چند در حکمرانی مطلوب و آنچه جامعه سعادت‌مند خوانده می‌شود، اصول و قواعد روشنی نظیر عمل به قانون و شفافیت حاکم است، اما پایبندی به اخلاق و اصول انسانی هم از سوی مردم و هم از سوی دولت و نظام سیاسی قابل انتظار است. به این دلیل که در عالم نظری، مرز میان اندیشه سیاسی و اخلاقیات و پندیات از نقطه نظر مفهومی و نظری روشن نیست. (انصاری، ۱۳۹۵: ۳-۴). در هر صورت، در عرصه عمل نیز سیاست سعادت‌گرا یانه به معنای فراهم کردن شرایطی است که بتواند ارزش‌های اخلاقی را در جامعه بسط دهد و زندگی مرفه، حقوق برابر و آزادانه را برای آحاد جامعه فراهم نماید. تلاش برای رسیدن به «خیر عمومی» و دوری از منازعات بخش مهمی از فرایند محقق شدن حکمرانی خوب و سعادت‌گرا یانه است. بر مبنای این نظریه، عدالت و بسط ارزش‌های اخلاقی، منشأ الزام سیاسی است. اگر حکومت برای سعادت افراد جامعه و بسط ارزش‌های اخلاقی در جامعه بکوشد، مشروع قلمداد می‌شود (نوروزی، ۱۳۷۹: ۶۵). با در نظر داشتن این مسائل، کسب مشروعیت، افزایش رضایت میان مردم، راههای کسب و دستیابی خیر عمومی، زمینه‌سازی برای سعادت جمعی بخش مهمی از فرایند محقق شدن حکومت سعادت‌گرا یانه است. از این جهت، سیاست و حکومت سعادت‌گرا یانه بر تقدم اخلاق بر سیاست تأکید دارد و مفهومی ناظر بر کیفیت حکمرانی در جامعه است. با عنایت به مفاهیم مندرج در سیاست و حکومت سعادت‌گرا، در ادامه به بررسی مؤلفه‌های آن در آراء فارابی و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته می‌شود.

۳- سیاست و حکومت سعادت‌گرا در اندیشه فارابی

در بررسی حاضر هم به لحاظ اثر نظری قابل توجهی که فارابی در عرصه سیاست، اجتماعی و فلسفه سیاسی برجای گذاشته است و هم به دلیل تقدم زمانی و اندیشه‌ای، به آراء این اندیشمند نامی اسلامی پرداخته می‌شود.

۱-۳. جهان بینی فارابی و ارتباط آن با سیاست و حکومت

ابونصر محمد طرخان معروف به فارابی در حدود سال ۲۵۷ (ق) در محل فاراب در روستای وسیع متعلق به ایران قدیم (ترکستان) قزاقستان امروزی متولد و به سال ۳۳۹ (ق) در دمشق دیده از جهان فرو بسته و همان جا با عزت و احترام به خاک سپرده شد. او در اوایل جوانی به همراه پدرش که از لشکریان بود برای کسب علم و معرفت به یکی از مراکز نشر علوم آن دوران یعنی بغداد عزیمت نمود (الفاخوری، ۱۳۷۲: ۳۹۶). وی پس از اقامتی بیست ساله در بغداد به حلب که در آن دوران تحت حاکمیت سیف الدوله حمدانی بود مسافرت می‌نماید (حلبی، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

فارابی قبل از ورود به هر بحثی، با توجه به نگرش فلسفی خود ابتدا به چگونگی خلقت هستی و نظام حاکم بر آن یعنی مبدا و معاد و رابطه نظام خلقت و خالق پرداخته و سپس سایر موضوعات را بر اساس این چارچوب معرفی می‌کند. وی هستی را به دو بخش واجب‌الوجود و ممکن‌الوجود تقسیم نمود و باری تعالی را «آنّه واجب‌الوجود بذاته... لانه هُو الفاعل وَ الغایه، فغایته ذاته، لان مصدر کل شی عنّه و مرجعی الیه» (فارابی، ۱۳۹۲: ۲۳). در ادامه می‌گوید: «و کُلّ غایه فهی خیر، فهو خیر مطلق» (فارابی، ۱۳۹۰: ۷۷)، که: «از هر گونه مادیت مُبرّا است پس خیر محض، عقل محض، عاقل محض و معقول محض می‌باشد» (داوری اردکانی، ۱۳۸۹: ۴۶). توصیف نموده و ما بقی هستی را ممکن‌الوجود نامیده که در ایجاد، دوام، بقا و استمرار قائم به واجب‌الوجود می‌باشند. وی ابداع هستی را توسط خداوند مبتنی بر عقل دانسته و بر این باور است چون او درباره‌ی ذات خویش تعقل می‌کند عالم از او صادر می‌گردد (داوری اردکانی، ۱۳۷۷: ۲۷)، هستی مبتنی بر عقل به دو بخش مافوق قمر و مادون قمر فصل بندی ترتیبی گردیده و تا عقل نهم هر عقل مدبر فلکی از افلاک می‌باشند و عقل دهم که عقل فعال نام دارد: «عقل فعال از جهتی سبب وجود نفوس ارضی و از جهت دیگر، با عقول مافوق خود در ارتباط است» (مهاجرنیا، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴) حلقه‌ی واسط عالم علیا و سفلی و ابزاری جهت درک وحی که یکی از اشکال آن دین نام دارد، از عالم علیا و انتقال ادراکات و حیانی به عالم مادون می‌باشد. بر اساس این دیدگاه فلسفی هستی شناسانه،

ضمن این که دین و عقل تضادی با یکدیگر ندارند، عقول نیز بر هر دو جهان حاکم بوده و هستی سراسر عقلانی است.

فارابی با آینده پژوهی، عمق و گستردگی دعوای مدعیان دین و عقل را دریافته و قصد آن داشته تا مساله آنان را اساسی و برای همیشه پاسخگو باشد و به مدعیان وحی و فلسفه پیاموزد که اگر هدف از معرفت، نیل به سعادت حقیقی یا مصلحت عامه باشد، دین و عقل هر دو منابع و ابزاری معرفتی برای نیل به سعادت هستند که از یک منبع افاضه شده و یک مسیر تنازلی و تصاعدی را طی می‌نمایند. بنابراین عقل و دین وحدت در مبدا و غایت دارند و تضادی شامل آن‌ها نیست. او در بند یکم التعلیقات می‌گوید: «هذه الموجودات کُلها صادرة عن ذاته - تعالی - وَ هِيَ مُقْتَضَى ذَاتِهِ فَهُوَ غَيْرُ مَنْفِيَةٍ لَهُ». (فارابی، ۱۳۹۲: ۳). همچنین چه بسا به توان ادعا نمود که وی عقل را شایسته‌ترین ابزار برای پرداختن به ارزنده‌ترین منبع معرفت یعنی دین دانسته است. فصل مشترک این عبارت تعادل و تناسب خواهد بود. بنابراین یکی از راههای دستیابی به سعادت از نظر فارابی، گذر از نگرش و جهان بینی مادی و حرکت در چارچوب معنویات است. بنابراین کسی که در محدودیت های عالم مادی گرفتار شده است، توانایی دستیابی به سعادت را نخواهد داشت. همچنان که رسیدن به این هدف نیازمند تأسیس نظام سیاسی است.

۲-۳. تشکیل اجتماع سیاسی و نیل به سعادت گرای

از نظر فارابی، انسان بر اساس مراحل عقلانی به چهار مرتبه تقسیم می‌شود. انسان هیولانی، بالفعل، بالمستفاد و فعال است. سوم؛ حیات فاضله انسان در این جهان غایت حقیقی نیست، بلکه مقدمه سعادت حقیقی انسان است که در جهان آخرت برقرار می‌گردد. مصلحت عامه نیل به سعادت حقیقی یا آن جهانی است. او در همین رابطه آورده است: «انسان دارای دو نوع از کمال است: کمال نخستین و کمال پسین، پدید آمدن کمال پسین برای ما در این زندگی مادی امکان‌پذیر نیست، بلکه تنها در زندگی پسین ممکن است و آن نیز هنگامی است که کمال نخستین در این زندگی ما پیش از زندگی پسین پدید آید». (فارابی، ۱۳۸۲: ۳۳) پس حداکثر دستاورد انسان در این جهان کمال نخستین است که مقدمه سعادت قصوی است. به این معنا که بالاترین مرتبت این جهانی، پایین‌ترین مرحله یا مادون‌ترین کیفیت آن جهانی است.

۳-۳. سعادت پسینی؛ هدف حکومت سعادت‌گرا

در فلسفه فارابی انسان با تمام ویژگی‌های که در اوصافش آمد در صورتی می‌تواند به هدف از خلقت یعنی سعادت قصوی دست یابد که اقدام به زندگی جمعی نماید و نقایص وجودی و ضروریات نیازی خویش را مرتفع نماید. لذا، انسان طبعی اجتماعی دارد و اقدام برای زیست جمعی متأثر از محدودیت‌های «رهاشدگی» نیست، بلکه مقتضای مصلحت عامه یا سعادت حقیقی است. فارابی در رابطه با ضرورت زندگی جمعی و سرشت و فطرت اجتماعی بودن انسان‌ها در فصل بیست و ششم کتاب آراء اهل مدینه فاضله می‌نویسد: «هر یک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل وصول به برترین کمالات ممکن خود، محتاج به اموری هستند که هر یک به تنهایی نتوانند متکفل انجام همه‌ی آن امور باشند و بلکه در انجام آن احتیاج به گروهی بود که هر یک از آن‌ها متکفل انجام امری از مایحتاج آن بود و هر یک از افراد انسانی نسبت به هر یک از افراد دیگر بدین حال و وضع بود. بدین سبب است که هیچ فردی از افراد انسان وصول به آن کمالی که فطرت طبیعی او بر آن نهاده است ممکن نبود مگر، به واسطه‌ی اجتماعات و تجمع گروه‌های بسیار... انسان از آن قسم موجوداتی است که ممکن نبود ضروریات زندگی و زیست او تمام و کمال گردد و به برترین کمالات و احوال انسانی برسد مگر به واسطه اجتماع جمعیت‌های زیاد در یک مسکن» (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۵-۲۵۴). بدین ترتیب دستیابی به سیاست و حکومت سعادت گرا هنگامی قابل حصول است که بتوان اقدام به تأسیس نظام سیاسی نمود و نیازهای مادی و معنوی انسانی را در عرصه اجتماع و سیاست ورزی تأمین نمود.

سیاست و حکومت سعادت گرا در اندیشه فارابی، به دنبال سعادت پسینی است. از دیدگاه فارابی غایت حیات با معرفت حقیقی ارتباط دو سویه دارند. غایت حیات یعنی غایت الغایات یا سعادت حقیقی و معرفت به باری تعالی و این معرفت، همان سعادت و پسین است. بنابراین ضرورت زیست جمعی بر خلاف فلسفه‌ی باستان ماوراء تشکیل خانواده، تولید مثل و کار نیل به معرفت حقیقی برای انسان ضرورت دارد (فارابی، ۱۳۸۹: ۱۶) وی در رابطه با هم‌آوایی و هماهنگی وحدت‌گرای منبع، ابزار و غایت سعادت می‌گوید: «چون هدف از آفرینش و خلقت آدمی آن است، که به دورترین کمال و بالاترین نیک‌بختی دست یازد، به ناچار در رسیدن به آن نیاز خواهد داشت تا معنای سعادت را چنان که هست «بشناسد» و همان را هدف و پیش‌روی خود قرار دهد، آن‌گاه به «دانستن» چیزهایی که شایسته‌ی انجام است نیاز خواهد داشت تا با دانستن آن، همان را به کار بندد. (فارابی، ۱۳۸۹: ۱۹۸)

۴-۳. عدالت و تعادل در حکومت سعادت‌گرا

سیاست و حکومت سعادت‌گرا از نظر فارابی به دنبال برقراری تعادل در جامعه است. این تعادل در واقع توأمانی اخلاق و سیاست و کارویژه‌های مادی و معنوی حکومت است. تعادل فلسفی فارابی واقعیت و آرمان یا معاش و معاد را به صورت همزمان مدنظر دارد. به طریقی که می‌توان هر دو را، دو روی یک سکه دانسته است. «هدف از خلقت آدمی» یعنی آنچه که هست (واقعیت) و «نیل به دورترین کمال» به معنای افق پیش‌روی انسان «آرمان» است. تشخیص تغییر وضع موجود و تاسیس مدینه فاضله و روش نیل به آن، با مفروضه خاتمه نبوت با حکمت حکیم و حکمرانی او قابل وصول است. او سعادت را برای نوع بشر فارغ از تعلقات صنفی و نژادی، «ما و دیگری» دنبال می‌کند. لذا، حکیم هم شایسته‌ترین انسان برای استخراج قوانین از دین است و هم باید بالاترین مقام را در ساختار و معادله تناسبی قدرت داشته باشد. «غایت مطلوبی است که همه انسان‌ها مشتاقانه خواهان آن هستند و با تلاش خود به سوی آن در حرکت هستند. سعادت یعنی نیل به کمال نفس و انتقال آن به مرتبه‌ای که در قوام خود محتاج ماده نباشد». (فارابی، ۱۳۶۲: ۵۲).

سیاست و حکومت سعادت‌گرا ویژگی دیگری نیز دارد و آن هم حاکم نمودن رویه‌ای عادلانه و به دور از تبعیض و مسائل نژادی است. فارابی قواعد تصاعد، تناسب و الانقاص فالانقاص را برای تشریح مدن یا اجتماعات انسانی نیز رعایت نموده و فارغ از نژاد و ملیت و منافع صنفی، سیر از مدینه‌ی صغری، به وسطی و عظمی (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۰۶) را تشریح کرده و می‌گوید: «آن مدینه که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری بود که موجب حصول و وصول به سعادت آدمی است، مدینه‌ی فاضله بود و اجتماعی که به واسطه‌ی آن برای رسیدن به سعادت تعاون حاصل شود اجتماع فاضله بود و امتی که همه‌ی مدینه‌های آن برای رسیدن به سعادت تعاون کنند امت فاضله بود و همین‌طور معموله‌ی فاضله آن هنگام تحقق پذیرد که همه‌ی امت‌هایی که در آن زندگی می‌کنند برای رسیدن به سعادت تعاون کنند (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۶). او در این مطلب به دو شاخص کمی و کیفی برای معرفی انسان، انسان‌ها و جماعت متشکل از آنان اشاره می‌کند. شاخص کمی معرف تعداد انسان‌ها در یک گستره جغرافیایی است و شاخص کیفی مدینه و اجتماع فاضله است که سعادت فصل ممیزه آن از سایر مدن غیر فاضله مانند جاهلیه، فاسقه، متبدله و ضاله است. وی انسان‌ها را از دو وضعیت خارج نمی‌داند یا تحت حکومت نبی و فیلسوف، سعادت حقیقی را غایت خود قرار داده و مدینه فاضله را مستقر می‌نمایند یا به سعادت ظنی و پنداری پرداخته و در مدن غیر فاضله زیست می‌نماید. بنابراین انسان دو نوع از گرایش و خصلت را با خود دارد، یا به

دنبال نیل سعادت حقیقی و کمال یا این که به پندار و ظن و سعادت کاذب تمایل دارد. گرایش ابتدایی برابر با نظام معتدله طبیعی - کیهانی، فلسفه واپسین و عینیت یافته غایت‌الغایات مصلحت عامه است و تمایل ثانویه به سوی تغلب و منظومه متضاد با نظم سماوی است. لذا، باید توجه داشت فارابی متمایز از منظومه مدنی - شهروندی یونان باستان که مبتنی بر فصل‌بندی خونی، نژادی و قومی، ابنا بشر «خودی و بیگانه، متمدن و بربر، ما و آن‌ها، شهروند و بیگانه» می‌باشند. فرایند نیل به سعادت یا استقرار مصلحت عامه را فارغ از گرایش‌های صنفی و تصنعی، مبتنی بر تعاون انسان‌ها به منظور نیل به سعادت و در شاکله‌ای جمعیتی و جغرافیایی «مدینه، امت و معموره فاضله» ترسیم نموده است.

۵-۳. کاربرد افعال فاضله در رفتار مردم

همکاری و تعاون حکومت با مردم و ارشاد آن، گام مهمی برای دستیابی به جامعه سعادت‌گرا در اندیشه فارابی است. از نظر وی، حاصل خدمات حکومت خوب است. حکومتی که بتواند افعال و سنن فاضله که مردم در پرتو آن به سعادت حقیقی می‌رسند. ریاست یا مدینه و حکومت ناشی از این نوع سیاست، حکومت و مدینه فاضله و حکومتی که سعادت‌پنداری را ایجاد می‌کند سیاست غیرفاضله یا حکومت و مدینه جاهلیت» تعریف کرده است. (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۱۵). بنابراین تفاوت میان سعادت حقیقی و سعادت‌پنداری، رسیدن به مدینه فاضله و جاهله است. فارابی می‌گوید: آن مدینه که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری بود که موجب حصول و وصول به سعادت آدمی است، مدینه‌ی فاضله بود و اجتماعی که به واسطه‌ی آن برای رسیدن به سعادت تعاون حاصل شود اجتماع فاضله بود و امتی که همه‌ی مدینه‌های آن برای رسیدن به سعادت تعاون کنند امت فاضله بود و همین‌طور معموره‌ی فاضله آن هنگام تحقق پذیرد که همه‌ی امت‌هایی که در آن زندگی می‌کنند برای رسیدن به سعادت تعاون کنند. (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۶). بنابراین سیاست و حکومت در اندیشه فارابی چیز جز رسیدن به سعادت و خوشبخت کردن مردم نیست. تعاون بر مبنای سعادت، اجتماع برای سعادت و همچنین زندگی جمعی برای دستیابی به آن، عناصر هم‌افزایی برای تشکیل سیاست و حکومت سعادت‌گرا محسوب می‌شوند.

بدین ترتیب در فلسفه سیاسی فارابی، سیاست، حرفه حکمرانی است که بتواند افعالی را به انجام برساند که مدینه و امت را به سعادت راهنمایی کند. (فارابی، ۱۳۸۹: ۱۹۴-۱۹۳). از نظر وی، مدینه عرصه‌ی سیاست و همگرایی و انتظام آن بر مبنای استعداد تناسبی و ظرفیت افراد برای نیل به سعادت حقیقی است و حاکم سیاسی نیز راهنمای نظری و عملی اعضای

جامعه برای نیل به سعادت قصوی است. بنابراین، محور گفتمان سیاسی فارابی کلید واژه سعادت حقیقی یا سعادت الدارین است و سایر عناصر زیست جمعی به تناسب آن مفصل بندی می گردند و امر سیاسی، هر گونه فعالیتی که مبتنی بر خیر همگانی باشد، معنا و مفهوم می یابد. بر همین اساس برای این که معنا و مفهوم سیاست را نزد فارابی دریابیم بی تناسب نخواهد بود که در کنار بررسی منظومه ی فکری او نگاهی به سیره عملی او در زندگی فردی و اجتماعی که در مقدمه ارائه شده داشته باشیم. پس سیاست از نظر فارابی یعنی ایجاد بستر و زمینه و ترویج فضائل در کل شئون جامعه برای نیل به سعادت، آن هم توسط رئیس اول متصل به عقل فعال می باشد.

جدول کارکرد و غایت سیاست سعادت گرا یانه از دیدگاه فارابی

موضوع	کارکرد	حیطه ها	غایت
سیاست	ترویج و انتشار ملکات اخلاقی	سیاسی	مصلحت عامه یا سعادت حقیقی
		اقتصادی	
		فرهنگی	
		نظامی	
		علمی	

فارابی با تعیین و تشخیص غایت و جایگاه سیاست و سیاستمدار منظومه فلسفی خود را تکامل بخشید. هدف متعالی که فارابی به سوی آن گام برمی دارد، خود سیاستمداری نیست، بلکه تحصیل سعادت با اکتساب و ترویج فضائلی است که تحصیل سعادت را ممکن می سازند. انسان فارغ از مدنیت و بدون تعاون و تعاضد دیگران توانایی اکتساب این کمالات را ندارد. هر انسانی به صورت فطرتی و از برای رفع حوائج باید با افراد دیگر در ارتباط باشد و هر یک از افراد بشر نیاز به این همبستگی دارد، یعنی باید با معاونت دیگر افراد و البته با عمل به خیرات، خود و دیگران را به کمال برساند.

۴- سیاست و حکومت سعادت گرا در اندیشه آیت الله خامنه ای

قبل از هر چیز باید گفت اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای بر محوریت نظام اسلامی تأسیس یافته بنا شده است. از این رو، ویژگی های سیاست و حکومت سعادت گرا در اندیشه رهبری انقلاب نیازمند واکاوی نظریات و تجربیات عملی حکومت داری در دوران معاصر و بر مبنای فقه سیاسی است. از نظر آیت الله خامنه ای، حکومت اسلامی، خود سعادت است.

به همین دلیل بیان می‌کنند: «نظام اسلامی به انسان سعادت می‌دهد. نظام اسلامی هم، یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه الهی است برای جامعه؛ مبنی بر نقشه خداست در جامعه» (آیت الله خامنه‌ای، ۶ اسفند ۱۳۸۸). اما اینکه سیاست و حکومت سعادت گرا در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، چه ویژگی‌ها و خصائصی دارد، نیازمند بررسی گسترده‌تری است.

۱-۴. عدالت؛ بنیان حکومت سعادت گرا

عدالت، مبنای نظام سیاسی در اسلام است. این اصل به شکل واضح و صریح در آن آیه معروف آمده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۵۷)، پیامبران خودمان را با دلایل و بینات فرستادیم، کتاب و مقیاس همراه آن‌ها فرستادیم تا در میان مردم عدالت برپا بشود. پس معلوم می‌شود قرآن این را یک نیازی دانسته است و برای این اصالتی قائل شده است و در اینجا حتی آن هدف دیگر [شناخت خداوند] را هیچ ذکر نمی‌کند ولی در این جا این هدف را ذکر نمی‌کند شاید برای این که نشان بدهد که این هم اصالتی دارد و واقعاً این جهت مورد نیاز است و باید باشد پس قرآن که نظر داده است که از ضرورت‌های زندگی بشر وجود عدالت است وجود پیغمبران را برای برقراری عدالت لازم و ضروری می‌داند (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۱۷). بنابراین سیاست و حکومت در اسلام معطوف به برقراری عدالت است. همان طور که امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد و برقراری عدالت فرموده‌اند: «همانا زمامدار امین خدا در زمین برپا دارند عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵: ۶۰۴).

در اندیشه سیاسی اسلامی و از جمله در فقه شیعی، رابطه متقابل حاکم و مردم به شکل عادلانه، به معنای شکل‌گیری سیاست سعادت گرایانه است. حضرت علی علیه‌السلام اصلاح این رابطه را سبب نیرومندی حق در جامعه و استحکام دین و گسترش عدالت در جامعه می‌داند. «فَإِذَا آدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَآدَى الْوَالِي إِلَيْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ (۳۵)» و قامت مناهج الدین و اعتدلت معالم العدل (نهج البلاغه، خ ۲۱۶، ترجمه سید جعفر شهیدی) هنگامی که رعیت، حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را ایفا نماید، میانشان حق والا می‌گردد و شیوه‌های دینداری پدیدار می‌شود و نشانه‌های عدالت پا برجا می‌گردد.

خصیصه عدالت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، مبنای سیاست و حکومت سعادت گرا تلقی می‌شود.

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای سیاست و حکومت سعادت‌گرا ابتدا مبتنی بر عدالت است. حتی تصور جامعه سیاست و حکومت سعادت‌گرا بدون مقوله عدالت، تهی و بی‌معناست. در جمهوری اسلامی به عنوان الگوی نظام سیاسی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت و کرامت انسانی یک اصل است. به بیان ایشان: «ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). همچنین حکومتی که به دنبال سعادت مردم است، عدل و عدالت را بنیان سیاست ورزی خود قرار می‌دهد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، «اساس حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی بر اقامه‌ی عدل است، کما اینکه اساس همه‌ی ادیان بر اقامه‌ی عدل است» (بیانات رهبری در جمع اعضای هیات دولت، ۱۴۰۰/۶/۶). بر همین اساس، برقرار کردن عدالت در جامعه و همچنین فراهم کردن بستری برای دستیابی عادلانه افراد به منابع و ثروت - های جامعه بخش مهمی از اهداف و وظایف حکومت سعادت‌گرا است. به تعبیر رهبری که در قبال این وظیفه بیان می‌دارند: «رونق اقتصاد کشور، پیشرفت اقتصاد کشور، هدف اصلی‌اش چیست؟ ... هدف این است که ما بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه تأمین کنیم، فقر را ریشه کن کنیم، تا ثروتمند شدن کشور به نفع رفع فقر و ریشه کنی فقر باشد؛ و آلا الان ثروتمندترین کشور دنیا آمریکا است؛ آنجا چند میلیون انسان زیر خط فقر زندگی میکنند، عده‌ی زیادی در گوشه‌ی خیابانها از گرسنگی یا از سرما یا از گرما میمیرند؛ ما این را نمیخواهیم. صرف اینکه یک کشور ثروتمند باشد، این، آن چیزی نیست که مورد نظر اسلام و مطلوب اسلام [باشد]؛ باید این ثروت در خدمت ریشه کنی فقر باشد، در خدمت گسترش عدالت باشد؛ با این نگاه و با این رویکرد باید حرکت کرد» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۸/۵/۳۰). در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت، فقرزدایی، مبارزه با فساد و گسترش رفاه، اقداماتی ابزاری برای رسیدن به جامعه سعادت‌گرا هستند. از این جهت که افراد جامعه اسلامی از رفاه مناسبی برخوردار باشند و این رفاه عمومی از وظایف حاکم است (صبحی، ۱۴۲۰: ۷۹). همچنان که باید گفت تأمین رفاه و آسایش اقتصادی در نزد حکومت سعادت‌گرا، مقدمه‌ای برای رسیدن به سعادت اخروی محسوب می‌شود.

۲-۴. حیات طیبه و سعادت اخروی

ویژگی دیگری که آیت‌الله خامنه‌ای برای سیاست و حکومت سعادت گرا قابل تصور است، فراهم کردن بستر مناسب برای شکل‌گیری «حیات طیبه» است. حیات طیبه مصداق بارز زندگی پاک و منزّه است که موجب رضایت خداوند و خلق خدا می‌شود (رییس دانا، ۱۳۹۳: ۸۶). رابطه‌ای که مبتنی بر زدودن ساحت جامعه از آلودگی، دور‌نگویی، بی‌عدالتی، بی‌انصافی، زور‌گویی، بدکرداری، عدم تلاش، بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی است. در این معنا حیات طیبه امری است اساسی و در جهت برقراری صلح و امنیت در بالاترین سطح و همکاری بین مردم و دولت است. بنابراین در زندگی جمعی و برای رسیدن به سعادت، انسانیت حکم می‌کند که نیکوکار باشیم، جانفشانی کنیم و با تقوا باشیم و همه اینها معنویات هستند (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۸). اینها عناصری هستند که در سیاست و حکومت سعادت گرا جایگاه مهمی بر عهده دارند. در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نیز حرکت به سمت حیات طیبه، مورد توجه قرار گرفته است. زیرا برحسب رهنمودهای قرآن کریم، مردم به سمت حیات طیبه حرکت می‌کنند و وظیفه سیاست و حکومت‌داری در اسلام آن است که تسهیل‌کننده این مسیر باشد. رهبری انقلاب این موضوع را بدین نحو بیان می‌کنند: «آن ملت‌هایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند که زندگی دنیوی را به مراتب پیشرفته‌تری از کمال برسانند، لزوماً زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود. و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تأمین کنند. از طرف دیگر، حیات طیبه و زندگی گوارا فقط آخرت هم نیست. اسلام نمی‌گوید من می‌خواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیای آنها هرچو شود، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه‌ی اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندیهایی مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند. اگر آن زندگی به وجود آمد، آن وقت در جامعه ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض ریشه کن می‌شود؛ تجاوز به حقوق انسانها ریشه کن می‌شود؛ جنگها و برادرکشی‌ها از بین می‌رود؛ ناامنی‌ها در زندگی بشر به صفر می‌رسد. انبیاء برای این کار و مجاهدت کردند؛ بزرگان برگزیده‌ی خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند» (بیانات رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم رضوی، ۱۳۸۳/۱/۲). بدین ترتیب، سیاست و حکومت معطوف است به: «تزکیه‌ی بشر، یعنی پالایش روحی انسانها از آلودگی‌ها و از پیرایه‌های پست‌کننده و انحطاط‌آور؛ تعلیم انسانها و مقام علمی انسانها را بالا بردن. استقرار عدالت، که جامعه‌ی بشری با عدالت اداره بشود... حیات طیبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از

سویی و آرامش روحی بشر، آسایش مادی بشر، امنیت محیط زندگی بشر و رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه‌ی اینها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است؛ حیات طیبه یعنی اینها» (بیانات رهبری به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). حیات طیبه، شاکله حکومت سعادت گرا و الگوسازی برای آحاد جامعه برای دستیابی به ارزش های انسانی و اسلامی نظیر: همکاری و تعاون، مسؤولیت پذیری، ایثار و از خودگذشتگی در جهت اعتلای این ارزشهاست.

۳-۴. اخلاق گرایی در سیاست و حکومت سعادت گرا

یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران، تعلیم و تربیت جامعه، ارتقای دانش و بینش مردم و اصلاح امور و اصلاح امور اجتماعی، سیاسی و اخلاقی جامعه در مسیر شناخت و بندگی خداوند متعال است. این اهداف برای حاکمان اسلامی به صورت طبیعی، در قالب وظیفه مقدر شده است. به گونه‌ای که امام علی(ع) عمده‌ترین وظیفه حکومت اسلامی را همین موضوع می‌داند و می‌فرماید: حق شما بر من این است که شما را در مقوله‌های گوناگون آموزش دهم تا آگاهی شما افزایش یابد و دچار جهل و گمراهی نشوید و اینکه شما را به گونه‌ای تربیت کنم که راه و رسم چگونگی زندگی کردن را بیاموزید (صبحی، ۱۴۲۰: ۷۹). سعادت انسان به خودسازی و تهذیب نفس بستگی دارد و قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و اله و ائمه علیهم‌السلام انسانها را به آن دعوت کرده‌اند و این مسأله در مورد حاکم ضرورتی دو چندان می‌یابد. حضرت علی علیه‌السلام به کارگزاران و امیران همواره سفارش به رعایت تقوای الهی و تهذیب نفس می‌کرد و پیوسته به آنها متذکر می‌شد مالک نفس خویش باشند تا هوای نفسانی بر آنها غلبه نکند. چندامری را که حضرت در زمینه خودسازی به کارگزاران خویش سفارش می‌کرد، بلکه فرمان می‌داد، بررسی می‌کنیم. الف) مقاومت در برابر وسوسه‌های نفسانی و یاد مرگ برای خودسازی. ب) پرهیز از ریاست طلبی. ج) ارتباط عبادی دایم با خداوند. د) اکتفا به حداقل بهره‌های دنیا.

حکومت آرمانی در اسلام، مبتنی بر اخلاق است. این موضوع در اندیشه رهبری نیز به وضوح و با نقد خطر جدایی دین از سیاست دیده می‌شود. در رویکرد موردنظر رهبری انقلاب، این خطر بدین گونه مطرح شده است: «یکی از خطرهای جدایی دین از سیاست که عده‌ای آن را همیشه در دنیای اسلام ترویج می‌کردند - در کشور ما هم بود، امروز هم متأسفانه بعضی نغمه‌هایی را در جدایی دین از سیاست بلند میکنند - همین است که وقتی سیاست از دین جدا شد، از اخلاق جدا خواهد شد، از معنویت جدا خواهد شد. در نظامهای

سکولار و بیرابطه‌ی با دین، اخلاق در اغلب نزدیک به همه‌ی موارد، از بین رفته است. حالا یک وقت استثنائاً در جایی یک عمل اخلاقی دیده بشود، این ممکن است؛ استثناء است. وقتی دین از سیاست جدا شد، سیاست میشود غیر اخلاقی، مبنی بر همه‌ی محاسبات مادی و نفع‌طلبانه. سلوک سیاسی امیرالمؤمنین بر پایه‌ی معنویت است و از سلوک معنوی او جدا نیست» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۸/۶/۲۰). هنگامی که اندیشه سکولاریستی در جامعه نهادینه باشد، نقشی برای ترویج اخلاق و معنویت از سوی حکومت سعادت‌گرا باقی نمی‌ماند و جامعه به حال خود رها می‌شود. اما در رویکردی که مبتنی بر پیوند دین و سیاست است، ترویج فضائل اخلاقی، وظیفه حکومت دانسته شده که خود از ضرورت‌های حکومت و سیاست سعادت‌گرا محسوب می‌شود.

با عنایت به پیوند دین و سیاست و ترویج اخلاق از سوی حکومت است که امام علی (ع) می‌فرماید: جامعه نیازمند حاکم و امامی است که آنان را به آنچه صلاح آنهاست راهنمایی و از آنچه که به زیان آنهاست برحذر دارد، زیرا امر و نهی یکی از اسباب بقای خلق است چون اگر امر و نهی نباشد، تشویق و ترس از بین رفته و کسی از اعمال ناشایست بازداشته نمی‌شود و صلاح اندیشی و تدبیر به فساد می‌گراید و این سبب هلاکت بندگان می‌گردد. (نهج البلاغه، ۱۳۹۱: ۷۹). بر همین اساس، سیاست و حکومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز قبل از هر چیز بر مبنای پیوستگی سیاست و دیانت استوار است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تحت تأثیر شرایط جدید چنین مطرح کرده است که: «چون انقلاب ما، اسلامی و مردمی بود حکومتی هم که بر مبنای آن انقلاب به وجود آمد، اسلامی و مردمی شد؛ یعنی جمهوری اسلامی... خلاصه جمهوری ما این است؛ خدا و مردم» (خامنه‌ای ۱۴ مرداد ۱۳۶۱). به همین ترتیب، مدل جمهوری اسلامی در کلام آیت‌الله خامنه‌ای که با عنون مردم‌سالاری دینی هم ذکر می‌شود، دارای شاخصه‌هایی نظیر: فضیلت محوری، هدایت محوری، حاکمیت الهی، ایمان دینی، انتخاب مردمی، است که از جمله وظایف مهم آن ترویج مکارم اخلاقی است.

الگوی اخلاقی در حکومت سعادت‌گرا، شیوه امام علی (ع) است که رهبری انقلاب در وصف آن بیان می‌کنند: «سلوک سیاسی امیرالمؤمنین از سلوک معنوی و اخلاقی او جدا نیست؛ سیاست امیرالمؤمنین هم، آمیخته‌ی با معنویت است، آمیخته‌ی با اخلاق است، اصلاً منشأ گرفته‌ی از معنویت علی و اخلاق اوست. سیاست اگر از اخلاق سرچشمه بگیرد، از معنویت سیراب بشود، برای مردمی که مواجه با آن سیاستند، وسیله‌ی کمال است، راه بهشت

است؛ اما اگر سیاست از اخلاق جدا شد، از معنویت جدا شد، آن وقت سیاست ورزی میشود؛ یک وسیله‌ای برای کسب قدرت، به هر قیمت؛ برای کسب ثروت، برای پیش بردن کار خود در دنیا. این سیاست می‌شود آفت؛ برای خود سیاست‌ورز هم آفت است، برای مردمی هم که در عرصه‌ی زندگی آنها این سیاست ورزیده میشود هم آفت است» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۸/۶/۲۰).

با این اوصاف از منظر سیاست و حکومت سعادت‌گرا باید گفت که شاخصه‌های جمهوری اسلامی «اداره شدن حکومت با اصول و مقررات اسلامی» است. به تعبیر استاد مطهری که می‌فرماید: «این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند، چون می‌دانیم که اسلام به عنوان یک دین در عین حال یک مکتب و ایدئولوژی است و طرحی است برای همه شئون زندگی بشر. بنابراین جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن انتخاب حاکم است از طرف عامه مردم برای مدت موقت و نه شکل موروثی و محتوای آن اسلامی است یعنی براساس معیارها و موازین اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۴/۳۳۰) همچنین استاد مطهری در یکی از یادداشت‌های خود به عنوان «ویژگی‌های جمهوری اسلامی» بر مؤلفه‌هایی نظیر: فضایی از معنویت به مفهوم اثباتی آن نه صرفاً منفی که در غرب مطرح است؛ جدا نبودن دین از سیاست و پشتوانه بودن دین برای سیاست؛ عقل و تعقل؛ عدل و قسط (نظام قسط)؛ جهاد و عزت؛ نقش مثبت خانم‌ها و حمایت از مستضعفان تاکید می‌نماید (مطهری، ۱۳۷۸، ۱۰/۲۹). این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که اخلاق و ترویج فضائل اخلاقی در جامعه، عنصر اساسی سیاست‌ورزی به شمار می‌روند.

با توجه به اینکه سلوک سیاسی و اخلاقی در حکومت سعادت‌گرا به هم پیوسته است، رهبری انقلاب بیان می‌کنند: «فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است، هم خلاف اخلاق است، هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید، با جرأت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمتها و اهانتها و فحاشی و دشنام و این چیزها. همه هم در این زمینه مسئولند. این کار علاوه بر اینکه فضا را آشفته میکند و اعصاب آرام جامعه را به هم می‌ریزد - که امروز احتیاج به این آرامش هست - خدای متعال را هم از ما خشمگین می‌کند» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

۱۳۸۹). بدین ترتیب از منظر سیاست و حکومت سعادت‌گرا باید گفت که الگوی اخلاقی مردمسالاری دینی، پدیده‌ای جدید است که می‌توان آن را نظامی تنودموکراتیک دانست

که در چارچوب قوانین الهی در جهت سعادت واقعی مردم و به دست زمام‌دار اسلامی و به خواست و اراده مردم عینیت پیدا می‌کند. در مدل جمهوری اسلامی حق تعیین سرنوشت به مردم واگذار می‌شود و معمار واقعی اسلامیت نظام، اراده و تصمیمات جمهور است و جمهور در چارچوب اهداف و احکام دین به دخل و تصرف در حکومت می‌پردازد.

جدول کارکرد و غایت سیاست سعادت‌گرا یانه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

موضوع	کارکرد	حیطه‌ها	غایت
سیاست	شکل‌گیری حیات طیبه؛ برقراری عدالت و اخلاق انسانی	سیاسی	سعادت جامعه اسلامی؛ دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی از جمله آزادی و استقلال و مردمسالاری دینی
		اقتصادی	
		فرهنگی	
		نظامی	
		علمی	

۵- نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که آراء فارابی و آیت‌الله خامنه‌ای، هم از حیث نظری و هم کاربردی، مجموعه جامعی برای سیاست و حکومت سعادت‌گرا محسوب می‌شوند. پاسخ دادن به پرسش مطرح شده در پژوهش، این یافته‌ها را نشان می‌دهد که سیاست و حکومت سعادت‌گرا، بیش از هر چیز به دنبال خوشبخت کردن مردمان جامعه، ترویج فضائل اخلاقی، ایجاد حس نوع دوستی، همکاری و تعاون و همچنین آراستن رهبران سیاسی به مکارم اخلاقی و اسلامی است. از این منظر، سیاست و حکومت در نزد فارابی بیش از هر چیز امری اکتسابی و حاصل بازخورد اندیشه‌ها و آراء مختلف برای دستیابی به حکومت سعادت‌گرا است. به همین دلیل، گام آغازین برای کسب سعادت، تأسیس نظام سیاسی، آن هم نه از منظر عرفی و عقلانی محض، بلکه برگرفته از مبانی و اصول دینی است. فارابی از این جهت، پشتوانه فکری حکومت سعادت‌گرا در اعصار بعدی شده است. همچنان که نظریات وی در زمینه «فیلسوف-نبی» آشکارا سیاسی و به دنبال پیوند زدن اخلاق و سیاست، معارف دینی و سیاست‌ورزی و ترویج فضائل اخلاقی از سوی حکومت در جامعه است.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نیز خصائص عدالت، حیات طیبه، رفاه و آسایش عمومی، به عنوان عناصر سیاست و حکومت سعادت‌گرا محسوب می‌شوند. بنابراین شاخصه‌های بیان شده می‌تواند تمیزی میان حکومت سعادت‌گرا و شقاوت‌گرا در نظر گرفته شوند. به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی نیز بر مبنای اصول و غایات دور و نزدیک مذکور تاسیس گردیده و هر جا که دچار آسیب شده است به دلیل عدم رعایت اعتدال در گرایش به عقل یا دین یا دوری از سیاست‌های رهبری حکیم حاکم بوده است و یا اینکه اخلاق را در رأس سیاست-ورزی و حکمرانی قرار نداده است. بنابراین نقایص و مسائل موجود، مترتب بر گرایش‌های عقلانی و دینی متعادل و حکومت‌کننده‌ی حکیم نیست، بلکه متوجه افراط و تفریط جامعه در گرایش‌های دینی و عقلی است. حکومت‌کننده با توجه به فضیلت‌های منبعث از حکمت اعتدال، اعتبار و مشروعیت لازم برای حکومت را دارد اما فعلیت آن منوط به پذیرش مردم است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- امام علی (ع) (۱۳۹۱)، **نهج البلاغه**، ترجمه جعفر دشستی، تهران: انتشارات امیرالمومنین.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۹۵)، **غورالحکیم و دررالکلم**، تهران: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- حلی، علی اصغر (۱۳۸۱)، **تاریخ فلسفه اسلام تا امروز**، تهران: انتشارات زوار.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹)، **فارابی فیلسوف فرهنگ**، تهران: انتشارات سخن.
- رییس دانا، فرح لقا (۱۳۹۳)، فرازهایی از مفهوم «حیات طیبه» در اسناد تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، **رشد تکنولوژی آموزشی**، دوره ۲۹، شماره ۷، فروردین. صص ۷۹-۱۰۴.
- صبحی، صالح (۱۴۲۰)، **شرح نهج البلاغه**، به تحقیق علی نقی فیض الاسلام، چاپ اول، تهران: نشر هجرت.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵)، حکومت سعادت گرا در اندیشه سیاسی علامه طباطبایی (ره)، **فصلنامه حکومت اسلامی**، سال بیست و یکم، شماره اول، صص ۷۹-۵۳.
- الفاخوری، حنا، خلیل الجری (۱۳۷۲)، **تاریخ فلسفه در جهان اسلام**، ترجمه، **عبدالمحمد آیتی**، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۸۹)، **السیاسة المدنیة**، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران: سروش.
- فارابی، ابونصر (۱۳۶۱)، **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**، ترجمه، سید جعفر سجادی، تهران: انتشارات طهوری.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹)، **اندیشه‌های اهل مدینه فاضله**، ترجمه، سید جعفر سجادی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۸۴)، **احصاء العلوم**، مترجم، حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۸۲)، **فصول متزعه**، ترجمه، حسن ملکشاهی، تهران: انتشارات سروش.
- لک‌زایی، رضا، لک‌زایی، شریف (۱۳۹۵)، انسان و جامعه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، **فصلنامه سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۵، متعابله، صص ۸۲-۶۲.
- لک‌زایی، نجف، جاویدی، رقیه (۱۳۹۷)، نظریه دولت در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال بیست و یکم، شماره هشتاد و یکم، صص ۱۶۷-۱۴۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، **مجموعه مقالات**، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، **یادداشت‌ها**، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، **فلسفه عبادات**، فصلنامه تماشاگه راز، شماره ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، **حکمت‌ها و اندرزها**، تهران: نشر صدرا.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰)، **دولت در اندیشه سیاسی فارابی**، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰)، **دولت در اندیشه سیاسی فارابی**، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- سایت‌ها:**
- بیانات رهبری به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47510> به آدرس:
- بیانات رهبری در جمع اعضای هیات دولت، ۱۴۰۰/۶/۶؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48588> به آدرس:
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیات دولت، ۱۳۹۸/۵/۳۰؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43319> به آدرس:
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229> به آدرس:
- بیانات رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم رضوی، ۱۳۸۳/۱/۲؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3227> به آدرس:
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۶/۲۰؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033> به آدرس:
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹؛ نشانی در سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11622> به آدرس:
- انصاری، حسن، ملاحظاتی بر یک کتاب از دکتر جواد طباطبایی، بازپایی در سایت <https://www.cgie.org.ir/fa/news/130336> به آدرس زیر: